

## مقایسه چند نکته دستوری در گویش لاری و تالشی

### محرم رضایتی کیشه خاله

گویش لاری از نظر جغرافیایی در جنوب استان فارس در منطقه‌ای به نام لارستان رواج دارد و شامل چند گونه، از جمله لاری، اوزی، جویمی، خنجی، گراشی، بستکی، و ... است. از نظر رده‌شناختی، گویش لاری به زبانهای ایرانی گروه جنوب غربی تعلق دارد و مثل فارسی امروز، شکل نوین و تحول‌یافته فارسی میانه (پهلوی) و فارسی باستان است و از نظر تاریخی نیز در حوزه جغرافیای سیاسی آن زبانها قرار دارد. اما، زبان فارسی و لاری به خاطر شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قومی هریک تحول متفاوتی پیدا کرده‌اند. ظاهراً گونه‌های مختلف لارستان تفاوت عمده‌ای با هم ندارند. جز اینکه به نظر برخی لاری «فارسی‌شده‌تر» از بقیه است (شروو، ۱۳۸۳: ۶۰۱).

گویش تالشی از نظر جغرافیایی در کرانه جنوب غربی دریای خزر و نوار طولی کوههای تالش در گیلان، و همچنین بخشهایی از استان اردبیل و جمهوری آذربایجان رایج است و گونه‌های متعددی، چون ماسوله‌ای، ماسالی، خوشابری، پره‌سری، آسالمی، مریانی، عنبرانی، ماساللی، لنگرانی و ... دارد که همه آنها در سه گروه عمده، یعنی تالشی شمالی، مرکزی، و جنوبی قابل دسته‌بندی است (رضایتی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). گویش تالشی به زبانهای ایرانی گروه شمال غربی وابسته است و مثل زبان آذری- زبان دیرین آذربایجان- از نظر تاریخی در حوزه زبانهای پارتی و مادی قرار می‌گیرد. تنوع و تفاوت گونه‌های تالشی ظاهراً بیش از لهجه‌های لارستانی است.

در این مقاله بخشی از پیکره زبانی گویشهای لاری که عمدتاً بر پایه فرهنگ لارستانی احمد اقتداری، بخصوص متن کوتاه پیوست آن، فراهم آمده است، با موادی متناظر آن در گویش تالشی، به ویژه تالشی مرکزی در چند نکته دستوری تاریخی و واژگانی مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

چنانکه قبلاً اشاره شد، گویشهای لاری ادامه طبیعی و تحول‌یافته فارسی میانه است. یکی از مختصات زبانهای ایرانی میانه غربی، تفاوت صرف فعلهای ماضی متعدی با قرینه لازم آنها در زمان گذشته است. این ویژگی فعلی در ساختار نحوی این زبانها تأثیری آشکار دارد. زبان‌شناسان به این پدیده صرفی- نحوی که در دوره زبانهای ایرانی باستان عیناً وجود نداشته است، اصطلاحاً «ارگتیوا» می‌گویند. در چنین ساختی معمولاً عامل (فاعل معنایی) پیش از ماده ماضی می‌آید و می‌تواند ضمیر متصل، ضمیر منفصل یا اسم غیر صریح باشد:

۱- ضمیر متصل غیرصریح: um-guft ku (گفتم که)، ut-did estēd (تو دیده‌ای).

۲- ضمیر منفصل غیرصریح: amā dīd (ما دیدیم)، ašmā(h) dīd (شما دیدید).

۳- اسم غیرصریح: merd-e guft (مرد گفت)، pidar dīd (پدر دید).

اگر جمله با مفعولی مذکور و احیاناً مستور همراه می‌شد، فعل از نظر شخص و شمار (مفرد و جمع) با آن هماهنگ می‌شده است (نک: آموزگار و، ۱۳۷۳: ۶۶-۶۹).

tō mardān dīd hēnd	۱- تو مردان را دیدی.
mardān tō dīd hē	۲- مردان تو را دیدند.

ساخت ارگتیو در فارسی امروز تقریباً از بین رفته است، اما در متون تاریخی زبان فارسی بقایایی از آن دیده می‌شود (نک: رضایتی، ۱۳۸۳: ۱۹۱-۲۰۵). در گویشهای لاری، ارگتیو دورهٔ میانه از بین نرفته ولی بسیار متحول شده است. اکنون به توصیف مختصات ارگتیو در این گویش می‌پردازیم.

در گویشهای لاری فعلهای لازم در کلیهٔ زمانها با ضمائر متصل فاعلی، و فعلهای متعدی در زمانهای گذشته با ضمائر متصل غیرفاعلی صرف می‌شوند. شکل این ضمائر جز اول شخص مفرد، در بقیهٔ صیغه‌ها متفاوت است:

۱- ضمائر متصل فاعلی عبارت‌اند از: *et, ey, im, Ø, e, om*

چید- <i>e</i>	۳- رفتی.
شیشه- <i>Ø</i> <i>eškahest</i>	۴- شیشه شکست.

۲- ضمائر متصل غیرفاعلی عبارت‌اند از: *šo, to, mo, oš, ot, om*

gelet- <u>ot</u>	۵- گرفتی.
eška- <u>š</u> <i>šiša</i>	۶- شیشه را شکست.
got- <u>a-š</u> <i>boâm</i>	۷- پدرم می‌گفت.
barâtar kašanâdam- <u>šo</u>	۸- ما را به اینجا کشانیدند.
<u>oš-gote</u> <i>makime gapu</i>	۹- مکیم بزرگ گفته است.
aga- <u>š</u> <i>neke, oš-ke, oš-ke</i> <i>aga kabul</i>	۱۰- اگر قبول کرد، کرد، اگر نکرد،...
<u>šo-zatam</u> <i>gul</i>	۱۱- گولمان زدند.
<i>tâ dehbid xo mo-rasanade</i>	۱۲- تا ده‌بید خود را رسانده‌ایم.

هرچند ضمائر متصل غیر فاعلی در لاری به عنوان عامل اغلب به صورت پیش‌چسب قبل از فعلها به کار می‌روند، با این حال، گاه پیش از ضمیر، اسم، گاه بعد از جزء اسمی یا وصفی فعل مرکب نیز دیده می‌شوند:

۱- پیش از ضمیر:

got <u>amâ-šo</u>	۱۳- به ما گفتند.
-------------------	------------------

۲- پیش از اسم:

basse <u>mo-aškam</u> <i>amâ xosang</i>	۱۴- ما سنگ بر شکم بسته‌ایم.
---	-----------------------------

۳- بعد از جزء اسمی فعل مرکب:

۱۵- اردوکشی کرده و خرج و هزینه کرده است.
<i>kašede xarj-o oxrâjât oš-kerde ordu-š</i>

kerde š-gomrâ makes

۱۶- همه کس را گمراه کرده است

در گویش لاری ظاهراً نمی‌توان مثل فارسی میانه به جای ضمائر متصل غیرفاعلی، از ضمائر منفصل یا اسمهای غیرصریح به عنوان عامل استفاده کرد. به تعبیری دیگر، در ساخت ارگتیو لاری، ضمائر متصل غیرفاعلی قابل حذف نیستند. دلیل این امر، احتمالاً آن است که در گویش لاری اصولاً حالت دوگانه فاعلی و غیر فاعلی ضمائر منفصل و اسمها از بین رفته و خلأ آن فقط با ضمائر متصل غیرفاعلی پُر شده است. مسئله دیگری که در ساخت ارگتیو لاری مشاهده می‌شود، عدم مطابقت فعل با مفعول در شخص و شمار است. چیزی که در فارسی میانه وجود داشته است. البته، چون مواد مطالعاتی بنده در این خصوص، منحصر به سه صفحه از نامه سابق‌الذکر است، بنابر این مطمئن نیستم. اگر احتمال بنده درست باشد، به نظر می‌رسد که ارگتیو در گویش لاری در حال فروپاشی باشد. در این صورت می‌توانیم بگوییم که ضمائر متصل غیرفاعلی که در ساختمان فعلهای ماضی متعدی در گویش لاری به کار می‌روند، امروزه به نقش ضمائر متصل فاعلی (شناسه فعلها) بسیار نزدیک شده‌اند.

اکنون به ویژگی ارگتیو در گویش تالشی می‌پردازیم. در گویش تالشی هرچند مثل لاری ضمائر متصل افعال لازم در کلیه زمانها از ضمائر متصل افعال ماضی متعدی در برخی از زمانها متمایز است، ولی ضمائر متصل، پیوسته شکل پی‌بستی دارند و از این نظر به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱- ضمائر متصل فاعلی که عبارت‌اند از:

((i)n(a), (i)run(a), (i)mun(a), (a) (i)∅, (i)š(a), i)m(a))

xət-ima: خوابیدم

ba-xət-ima: خواهم خوابید

kâ ba-xət-ima: دارم می‌خوابم

۲- ضمائر متصل غیر فاعلی که عبارت‌اند از:

((ə)šun(a), (ə)run(a), (ə)mun(a), (ə)š(a), (ə)r(a), ə)m(a))

افعال متعدی در زمانهای ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی التزامی، و ماضی بعید تمنایی که بر پایه ماده ماضی ساخته شده‌اند، در بافت جمله با ضمائر متصل غیرفاعلی به کار می‌روند:

hard-əma: خوردم

harda-ma: خورده‌ام،

harda-m ba: خورده بودم

harda-m bu-bu: خورده باشم

harda-m ba-b-e: می خورده بودم

فعل‌های متعدی در زمانهای ماضی مستمر، ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی که بر پایهٔ مادهٔ مضارع بنا شده‌اند، با ضمایر متصل فاعلی به کار می‌روند.

در گویش تالشی ضمایر متصل غیرفاعلی در بافت جمله، هرچند پیش از فعل ذکر می‌شوند، اما جایگاه ثابتی ندارند و می‌توانند به اجزای مختلف جمله ملحق شوند (نک: رضایتی، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۲۶، همو، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۲۸):

(۱) اتصال به مفعول مستقیم:

pegat <u>m</u> -čayi gâ ria	۱۷- ای گاو او را برداشتم.
-----------------------------	---------------------------

(۲) اتصال به قید:

hasan vind <u>ər</u> -iyâ	۱۸- اینجا حسن را دیدی.
---------------------------	------------------------

(۳) اتصال به متمم:

šökâyat kard <u>š</u> -kattâ	۱۹- به کدخدا شکایت کرد.
------------------------------	-------------------------

(۴) اتصال به حرف اضافه:

mâle haštın <u>mun</u> -tavla kâ	۲۰- گاوها را در اصطبل رها کردیم.
----------------------------------	----------------------------------

(۵) اتصال به جزء اسمی فعل‌های ترکیبی:

əm xâlaye <u>a</u> -ž <u>ər</u> un-vaš	۲۱- این شاخه ها را آتش زدید.
--	------------------------------

(۶) اتصال به جزء وصفی فعل‌های ماضی متعدی:

žaye <u>a</u> -b <u>š</u> un-pe-šanda	۲۲- جوها را پاشیده بودند.
---------------------------------------	---------------------------

(۷) اتصال به ضمیر منفصل:

hič vinda nin <u>m</u> -aye	۲۳- آنها را هیچ ندیده ام.
-----------------------------	---------------------------

در گویش تالشی تمام اسمها و ضمایر منفصل حالت فاعلی و غیرفاعلی دارند و در ساخت ارگتیو، عامل در شکل غیرفاعلی و مفعول معنایی در شکل فاعلی ظاهر می‌شود و فعل نیز در شمار (مفرد و جمع) با مفعول مطابقت دارد. ضمناً با آمدن عامل اسمی و ضمیری، ضمایر متصل غیرفاعلی قابل حذف‌اند:

izər də gəla mây gat <u>mən</u>	۲۴- من دیروز دو تا ماهی گرفتم.
aye vind-in <u>amad-i</u>	۲۵- احمد آنها را دید.

در جملات فوق، با آمدن عامل ضمیری و اسمی (amād-i و mən)، ضمائر متصل غیرفاعلی حذف شده‌اند. ضمن آنکه در جمله آخر فعل (vind-in) از نظر شمار با مفعول معنایی (aye) مطابقت کرده است.

چنانکه دیدیم از مختصات ارگتیو، گردش ضمائر متصل غیرفاعلی (پی‌بسته‌های ارگتیو)، و الصاق آن به اجزای مختلف جمله است. این ویژگی در تالشی علاوه بر فعلهای پی‌بسته، به فعلهای لازم و زمانهای مضارع و آینده نیز قیاساً تسری یافته است؛ چنانکه ضمائر متصل فاعلی (شناسه‌ها) نیز می‌توانند از ماده‌های افعال جدا شده، به قید، متمم، مقول و... اضافه شوند:

čâk, ne aye <u>im-az</u>	۲۶- منم خوب، نه آنها.
kâ baš <u>ima-bəjâr</u> az	۲۷- من مزرعه می‌خواهم بروم.
iyâ mand <u>mun-izərna kâ</u>	۲۸- از دیروز اینجا مانده‌ایم.
ayi bavind <u>m-səbirâ</u>	۲۹- فردا او را می‌بینم.

صورت اصلی و اولیه جملات بالا به صورت زیر بوده است:

ne aye <u>čâk-im</u> az	۳۰- من خوبم، نه آنها.
kâ baš- <u>ima</u> az <u>bəjâr</u>	۳۱- من مزرعه می‌خواهم بروم.
<u>mand-imun</u> izərna kâ iyâ	۳۲- از دیروز اینجا مانده‌ایم.
<u>bavind-ima</u> səbirâ ayi	۳۳- فردا او را می‌بینم.

مسئله دیگر در بررسی تطبیقی گویش لاری با تالشی، موقعیت صفت، مضاف‌الیه و حروف اضافه در این گویشهاست. در گویش لاری ترتیب NG، یعنی تقدم مضاف (هسته) بر مضاف‌الیه رعایت می‌شود. اما در تالشی ترتیب GN به کار می‌رود؛ فقط ضمائر متصل غیرفاعلی از این امر مستثنا هستند و ساخت NG دارند. ترتیب NA، یعنی تقدم موصوف (هسته) بر صفت نیز در گویش لاری رواج دارد، اما در تالشی ترتیب AN، یعنی تقدم صفت بر هسته، متداول است. چنانکه شواهدی از تحول به ساخت NA در آن دیده نمی‌شود.

معنی	تالشی	لاری
نوکر پادشاه	pâdešâ nukar	pâdešâ e-nowkar
حکومت شیراز	hukumat i-širâz	širâz e-hokumat
مکیم بزرگ	makim a-yâl	gapu e-makim
اردوی سنگین	urdu a-sagin	sangen ye-or-do
آدم جوان	âdam a-javun	javun e-âdam

در گویش لاری حروف اضافه، یعنی le «روی»، zel-e «زیر»، va «با، به وسیله»، tek-e, te «توی»، that-e «کنار» قبل از اسم و ضمیرهای شخصی قرار می‌گیرند (صادقی، ۱۳۸۲: ۱۲۴). در تالشی بر عکس لاری اغلب حروف اضافه، یعنی na «با»، kâ «در، از»، râ «برای»، dore «در، هنگام»، šovâr «مانند»، xun'ay «به خاطر»، sarirâ «به خاطر»

بعد از اسم و ضمیر می‌آیند (رضایتی، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۹). اما نکته جالب توجه آن است که در ساخت «مضارع در جریان» لاری حرف اضافه a- به معنی «به» به آخر مصدر اضافه می‌شود و به دنبال آنها شناسه‌های شخصی یا پی‌چسب فعل «بودن» اضافه می‌گردد: ondâ(a-a)-m: در آمدن‌ام، dedâ(a-a)-m: در دیدن‌ام. در تالشی شمالی نیز عیناً ساخت «مضارع در جریان» چنین است: ome da-m: در آمدن‌ام، vinde da-m: در دیدن‌ام. البته در تالشی مرکزی در چنین ساختی اغلب حرف اضافه و شناسه‌های شخصی بر مصدر مقدم می‌شوند. یعنی âme-kâ-ma: در آمدن‌ام و vinde-kâ-ma: در دیدن‌ام، به صورت: kâ-ma âme و kâ-ma vinde به کار می‌رود.

بر اساس مطالب فوق، گویش لاری از نظر رده‌شناختی، جزء زبان‌های هسته‌آغازی ۱ (VO) و گویش تالشی جزء زبانهای هسته‌پایانی ۲ (OV) قلمداد می‌شود،

در پایان این مبحث تعدادی از واژه‌های مشترک لاری و تالشی را ضمیمه کرده‌ایم تا تحولات آوایی آنها نسبت با یکدیگر بر اساس قواعد عمومی زبانهای گروه شمال غربی و جنوب غربی ملموستر خدمت خوانندگان عزیز نشان داده شود.

معنی	تالشی	لاری
آفتاب	âftâv	âftâv
سفید	isbi	espid
هسته	asta	astuk
شکم	əškam	aškam
شکمبه	əškama	aškama
تابه	xaykâra	akara
نوعی دستمال	sarəq	sâruq
فردا	sabâ	sabâ
دهباشی	d'avâši	davâši
فریاد	jəra	jâr
شش	pəf	pup
گوسفند	pas	pa
گنجشک	kija	biji
خوشه	uša	xoša
روپوش، کت	kavâ	qabâ
عروس	vayu	bau
خیلی	veri	bori
برف	var	bafr
دانستن	zunuste	daneda
داماد	zəmâ	domâ
آژیده	âža	âjuda

zata	že	زدن
jo	ža	جو
gozâr	viyar	محل گذر، معبر
gerdu	vuz	گردو
guta	vâte	گفتن
deda	vinde	دیدن
xarda	harde	خوردن

## کتابنامه

آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۳)، *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*، تهران، نشر معین..

اشمیت، رودیگر (۳-۱۳۸۲)، *راهنمای زبانهای ایرانی*، ترجمه حسن رضایی باغبیدی و ...، تهران، انتشارات ققنوس.

اقتداری، احمد (۱۳۳۴)، *فرهنگ لارستانی*، تهران، فرهنگ ایران زمین.

رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۳)، «فعلهای مرکب ضمیری در زبان فارسی»، *مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۱، سال ۳۷، ص ۱۹۱-۲۰۵.

رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۴)، «ارگتیو در گویش تالشی»، *مجله زبانشناسی*، ش ۱، سال ۲۰، ص ۱۱۳-۱۲۶.

رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۶)، *زبان تالشی*، توصیف گویش مرکزی، رشت، انتشارات ایلیا.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۲)، «درباره گویش لارستانی»، *مجله زبانشناسی*، ش ۱، سال ۱۸، ص ۱۲۰-۱۳۸.

- 
- 1- ergative
  - 2- head-initial
  - 3-head-final

این مقاله در همایش بین المللی زبانشناسی و مردمشناسی لارستان که در تاریخ ۲۳-۲۵ اسفندماه با حضور پژوهشگران ایرانی و خارجی در شهرستان لار برگزار شده بود، به صورت سخنرانی ارائه شد

**برگرفته از: وبلاگ "گلبانگ تالشی"**